

## پاسخ به سوالات جمشید کارگر

جمشید کارگر در پاسخ نامه ی قبلی من، ۴ سوال از من نموده که در این نامه سعی می کنم جوابهای لازم را به ایشان ارائه دهم.

**سوال ۱ : لطفاً برای خوانندگان نوشته خود توضیح دهید که چرا و به چه دلیل بورژوایی خواندن و ضد مارکسی خواندن یک نظریه بورژوایی و ضد مارکسی فحش است!!!!!!**

پاسخ:

آیا قبلاً کسی، یا اقلأ من چنین چیزی را فحش تلقی کرده ام؟ اشاره من به سوال شماره یک شما و فحش تلقی کردن آن نیست.

مسلم است که باید نظریات بورژوایی و ضد مارکسی را، همان بورژوایی معرفی کرد. چیزی که شما می پرسید ربطی به گفته من ندارد، همانگونه که نوشته شما بر مقاله مازیار رازی ربطی به بحث ایشان نداشت. آنچه که من از آن به عنوان فحش یاد می کنم، بحث غیر اثباتی شما در مقابل بحث مازیار رازی بود و چون قادر به ارائه بحثی مرتبط و اثباتی نبودید و به جای آن اتهام بورژوایی و امثالهم را زده اید فحش تلقی می شود. بنابراین باید به شما گفت که ماهیت پرسش اولتان کاملاً فرصت طلبانه است زیرا شما سوالی کلی و عمومی می کنید حال آنکه من مشخصاً نوشته شما در جواب مازیار رازی را فحش معرفی کرده بودم.

**سوال ۲ : شما نوشته خود را در سایتی درج کرده اید که کریه ترین و زشت ترین طومار فحش و فحش کاریها علیه فعالین جنبش ضد سرمایه داری در آن درج شده و مرتباً تجدید چاپ می شود. از چه زمانی شما مدافع اخلاق و عفت قلم و مخالف فحش کاری شده اید!!!!!!**

پاسخ:

برای من روشن نیست که منظور شما از "طومار فحش و فحش کاریها" و درج آن در سایت چیست یا کدام است. اما این روشن است که نوشته خود را در سایتی درج کردم که نوشته خود شما هم در آن سایت درج شده بود. مسلم است هرکس مسئولیت نوشته و نقد و مقاله خود را خود به عهده می گیرد. اگر در نوشته کسی در نقد به گرایش « فحش و فحش کاریها » وجود داشته باشد، مسئول نوشته خود نویسنده است و مسئولیت پاسخ به آن قبل از هر کس دیگری به عهده آن گرایش یا طرفداران آن است. اگر پاسخی در جواب به نوشته مورد نظر شما برای سایت ارسال شده بود اما درج نشده باشد به شما حق می دهم که گله و انتقاد کنید و از قبل خواهم گفت انتقاد شما نه تنها وارد است بلکه چنین روشی از سطح ژورنالیسم بورژوایی عقب تر است. هرچند متأسفانه بارها شاهد چنین رفتاری در برخی از سایت ها بوده ایم و هرچند باز متأسفانه شاهد انتقاد شما یا گرایش شما به چنین رفتاری نبوده ایم اما این چیزی از رعایت حق دمکراتیک نقد و تبادل نظر کم نمی کند. در هر حال سیاست حاکم بر سایت شدیداً با حذف گرای مخالف است و به هیچ وجه پذیرای چنین پیشنهادهای نخواهد بود. اما اجازه دهید فرض کنیم "طومار فحش و فحش کاریها" علیه گرایش « فعالین جنبش ضد سرمایه داری » در سایت درج شده باشد ( هرچند بدون اثبات، این ادعا خود فحش محسوب می شود)، باز در این حالت نیز شما که خود را فعال ضد سرمایه داری معرفی می کنید نباید این مسئله را به عنوان پیش فرض مورد قبول قرار داده و سپس مبتنی بر این پیش فرض همان کار را تکرار کنید.

سؤال ۳: شما مرا کارگر بازنشسته خوانده اید و بازنشسته بودن را مترادف با بی هویتی قلمداد کرده اید. اولاً من بازنشسته نیستم. و هنوز با تمامی شدت توسط سرمایه جهانی استثمار می شوم، از این بابت نگرانی نداشته باشید. ثانیاً بازنشسته بودن مترادف بی هویت بودن نیست. این سخن شما از عمق یک فرهنگ طبقاتی ضد انسانی سر چشمه می گیرد. ثالثاً من در هر سن و سالی که باشم در عرصه مبارزه علیه سرمایه داری و برای لغو کار مزدی بیش از حد پر شور و پر انرژی هستم.

پاسخ: البته من نتوانستم در یابم که آیا این سؤال است یا تذکر و یاد آوری. در هر حال باید به شما بگویم که من خود نیز کارگر هستم و اگر مانند شما توسط سرمایه جهانی سخت استثمار نشوم، توسط سرمایه دار صاحب کارخانه ام سخت استثمار می شوم. من در مورد استثمار شدن شما هم نگرانم و هم کینه طبقاتی ام افزایش پیدا می کند، در مورد واکنش شما به استثمار شدن من شما خود دانید. و اما موضوع بازنشستگی؛ این موضوع به تنها چیزی که مربوط نمی شود شاغل بودن فرد است! بخصوص وقتی شما تصور کرده اید که بازنشستگی یعنی بی هویتی! اقلماً این دو از طرف شما مترادف توصیف شده است و نه از طرف من. در نتیجه اگر کسی در این رابطه باید پاسخگو باشد شما هستید و نه من. شخصاً معتقدم که بازنشستگی به معنی اتمام دوره کار معیشتی نیز خود هویت است.

بازنشستگی که من به آن اشاره کردم همان چیزی است که شما در قسمت « ثالثاً » به آن اشاره می کنید. لذا قسمت « اولاً و ثانیاً » سوال شما کاملاً بی ربط است. بازنشستگی در ادبیات جنبش کارگری جهان به معنی اتمام دوره فعالیت آکتیو و با بار سیاسی به نفع جنبش کارگری است. حتی اگر چنین شخصی تا لحظه آخر عمر خویش در حال کار معیشتی باشد. شما نمی توانید منکر این شوید که فردی یک بار فعالیت سیاسی خود را آغاز می کند و برای همیشه به همان نسبت همان فعالیت را ادامه می دهد. یا از آن فعال تر شده و یا فعالیت را برای همیشه کنار می گذارد. در اینصورت در ادبیات سیاسی این فرد بازنشسته معرفی می شود. هرچند این نه « گناه » است و نه چیزی شبیه آن. اما این استعاره زمانی کاربرد اصلی دارد که فرد ادعا میکند فعال سیاسی است، اما یا به دلیل نوع فعالیتش (مثلاً پاسیفیسم) بازنشسته محسوب می شود و یا نوع راهکارها و پیشنهادهایش در صورتی که سیستماتیک بی ربط به اصل فعالیت سیاسی باشد. بنابراین جمله شما مبنی بر: « این سخن شما از عمق یک فرهنگ طبقاتی ضد انسانی سر چشمه می گیرد. » با عرض تاسف باز همان فحش است که قبلاً به آن اشاره شد.

سؤال ۴: و بالاخره به این سؤال جواب دهید که آیا این حرفهای شما فحش و فضحیت و اهانت و به دور از فرهنگ و مننیت انسانی است یا بورژوازی خواندن و ضد مارکسی خواندن یک نظریه بورژوازی و ضد مارکسی؟

پاسخ: خیر، حرفهای من اینگونه نیست که شما توصیف کرده اید.

در مورد بورژوازی خواندن و ضد مارکسی خواندن یک نظریه، در پاسخ به سؤال مشابه اول شما، به آن پاسخ دادم.

با تشکر از توجه شما.

اکبر مرتضوی

۳۰ نوامبر ۲۰۰۵